

لزوم یا عدم لزوم نوشتن علامت تشدید در زبان فارسی

آسیه ذبیح نیا عمران*

چکیده

تنوع واژه های مشدد و فراوانی آن ها در گفتار حاکی از آن است که به طور قطع و بدون تردید، «تشدید» در گفتار ظاهر می شود و سخنگویان زبان فارسی بروجود آن علم دارند. دلیل بارز این امر آن است که فارسی زبان ها چه کوچک و چه بزرگ، تشدید را به صورت سیستماتیک تولید می کنند و در تولید آن با هیچ مشکلی روبرو نیستند. اما آیا علامت تشدید در نوشتار عاملی برای روان خوانی و صحیح خوانی کلمات و واژه های مشدد به حساب می آید، جای تامل است.

صدا های یکسان در برخی از کلمات به صورت مشدد و در برخی دیگر به صورت غیر مشدد تلفظ می شوند؛ در حالی که بافت آوایی آن ها شبیه به هم است. به طور کلی «تشدید» در زبان فارسی نقش کارساز یا در حقیقت نقش واجی دارد؛ زیرا تشدید حاصل یک قاعده فونولوژیک زبانی است و طبق یک قاعده استثناء ناپذیر و به صورت ناخود آگاه مورد استفاده سخنگویان قرار می گیرد. این مقاله به منظور بررسی تشدید در زبان فارسی از دیدگاه آواشناسی، به شیوه کتابخانه ای نوشته شده است و یافته های پژوهش به شکل توصیفی - تحلیلی ارائه شده اند.

کلیدواژه: تشدید، آواشناسی، زبان فارسی، دستور زبان، واژه

علامت «تشدید» در دستور زبان فارسی نویسندگان ایرانی

دستور نویسندگان در لزوم به کارگیری تشدید یا عدم آن مردد هستند. برخی آن را تجویزی می کنند و عده ای کاربرد آن را بی ثمر می دانند؛ لذا در آغاز بحث آراء و سخنان دستور نویسندگان در باب تشدید مطرح می شود:

* استادیار دانشگاه پیام نور Asiéh.zabihnia@gmail.com

تاریخ وصول: ۹۰/۳/۱۸ - پذیرش نهایی: ۹۱/۵/۱۰



کاشف در دستوزبان فارسی خود، تشدید را «نادرا الاستعمال» می‌داند و از مجموع کلمات مشدد فارسی، فقط از واژگان برّش، غرّش، برّنا و کرّنا نام می‌برد. (دستوزبان فارسی / ۱۵).

عبدالعظیم خان قریب، تشدید را یک اصل مسلم در زبان فارسی دانسته ضمن آن که تفاوتی بین "صدا" و حرف (letter) قایل نمی‌شود: «تشدید چون دو حرف هم جنس در یک کلمه پهلوی یکدیگر واقع شوند، یک حرف را نویسند و روی آن علامت (ّ) را که تشدید شده نامند گذارند. حرفی که دارای تشدید باشد آن را مشدد نامند: لکه، اَره، تگّه.» (دستوزبان فارسی / ۱۰).

آهنی، تشدید را یک فرایند آوایی می‌داند و تعریفی بر مبنای همین اصل ارائه می‌دهد. به نظر او «تشدید آن است که حروف مخفف را به تشدید تلفظ نمایند». اونه تنها تخفیف کلمات مشدد را جایز نمی‌داند بلکه تشدید کلمات مخفف را نیز بی‌اعتبار می‌داند (نقدمعانی در صنعت نظم و نثر فارسی / ۲۳).

نفیسی، تشدید را مأخوذ از زبان عربی دانسته و به طور اختصار اشاره ای به آن دارد: «تشدید مأخوذ از تازی است که چون آن را بر بالای حرفی گذارند آن حرف، دو مرتبه خوانده شود». نفیسی وجود علامت تشدید را عاملی برای تلفظ صحیح می‌داند. (فرهنگ نفیسی / ۸۸).

دهخدا آورده است: «تشدید... نام کیفیتی است که عارض شده حرف را به وسیله ادغام؛ و تخفیف مقابل آن است... حرفی را سخت تلفظ کردن، چنان که دو حرف نماید...» (لغت نامه / ۷۰۵).

سجادی، تشدید را حاصل عملکرد کنش های آوایی دانسته، نوشتار را با آن منطبق نمی‌داند. او نوشتن تشدید را به هیچ وجه در کلمات فارسی صحیح و جایز نمی‌داند. (در مکتب استاد / ۱۸).

دهقان، حدوث تشدید را به تکرار حرف و حروف مربوط می‌داند ولی از تلفظ کلمات سخنی به میان نمی‌آورد: «تشدید: هرگاه دو حرف هم جنس در کلمه ای یافته شوند، یکی را می‌نویسند و علامت (ّ) بالای آن می‌گذارند (دستوزبان فارسی برای دبیرستان ها / ۸).

مشکور، نیز با عنایت به این که «تشدید» ویژه کلمات عربی است، استعمال آن را در فارسی جایز ندانسته و وقوع آن را بسیار نادر می داند (دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی / ۱۳).

فرشیدورد، تشدید را مورد توجه قرار داده و بیان می دارد: «همزه کلماتی مانند نبی، جری، بری، بدل به "ی" و سپس "ی" در "ی" ادغام می گردد و کلمه به این صورت درمی آید: نبی، جری، بری (باتشدید) و تشدید آن نیز تلفظ نمی شود. (دستور امروز / ۲۹۶).

دارایی، تشدید را مورد توجه قرار داده و بین کلمات اصیل عربی و کلمات فارسی تفاوت بسیار قایل است. او اعتقاد دارد که به کاربرد علامت تشدید در مورد کلمات عربی لازم و اجتناب از آن غلط و نشانه بی مبالاتی است. (اشتقاق و املاء در فارسی / ۳۳۰).

خزائلی، رمز تشدید را در روابط آوایی جستجو کرده و از مباحث او پیرامون تشدید چنین برمی آید که ایشان بین عربی و فارسی تمایز قایل شده و معتقد است که کلمات عربی، مشدد و کلمات فارسی، غیرمشدد به کار می روند و احتمال دارد که کلمات فارسی در شعری مشدد گردند؛ اگرچه فشرده آن ها نیز معمول است. نیز می آورد که «یا» مشدد در آخر کلمات عربی وقتی در فارسی به کار می رود «سبک» شده، بدون فشاره نوشته و گفته می شود؛ مانند: تقی، نقی، علی، قوی و غنی (دستور زبان فارسی / ۴).

آریان فر، تمایز بین لغات عربی و فارسی را مطرح ساخته و تشدید را اینگونه تعریف می کند: «هرگاه دو حرف همجنس اولی و دومی پیایی هم آیند، یکی را نوشته و نشانه () را بالای آن می گذارند». او اعتقاد دارد که علامت تشدید نباید بر حرف آخر کلماتی چون حق، ظن، مدنوشته شود (نگرشی انتقادی بر بنیادهای ادبیات آموزشی / ۲۰۸-۲۰۹).

ادیب طوسی می آورد: «برای تشدید نیز علامتی در داخل رسم الخط عربی وجود نداشت و ناچار نشانی برای آن وضع کردند که روی حرف مشددمی گذاشتند و در مواردی که نشان آن نوشته نمی شد، خواننده نا آشنا به لغت تشدید کلمه را در نمی یافت و از این راه ممکن است کلماتی مشدد به مرور تلفظ خود را از دست داده



باشند و شاید بدین جهت است بعضی کلمات را که امروزه ما بدون تشدید تلفظ می کنیم در نسخ خطی قدیم مشدد نوشته اند.» (بحثی درباره زبان فارسی/ ۳۸۸).

علی سلطانی به تقلید از متقدمان «تشدید» را تعریف کرده و با گذاردن علامت تشدید بر روی کلماتی چون تکبیر، مزور و غیره، تشدید را مخصوص و ویژه کلمات عربی می داند و معتقد است که تشدید در زبان فارسی بسیار کم به کار می رود، اما آن چه تعریف سلطانی را از دیگران متمایز می سازد، تأکید بر تمایز بین تشدید و تکریر است. «حتی برخی از کلماتی که ما آن ها را دارای تشدید می دانیم در حقیقت تشدید ندارند، بلکه جنس حرفی که دوبار تلفظ می گردد نوعی است که به اصطلاح زبانشناسی "تکریری" است یعنی نمی شود که یک بار تلفظ شود مانند: ز، ش، س.» (از کلمه تا کلام/ ۱۲).

وزین پور به کارگیری و عدم به کارگیری تشدید را علی السویه می داند و در این باره می گوید: «تشدید ویژه زبان عربی است و در نوشته های کهن فارسی نشان از تشدید وجود ندارد. اما بعدها بر اثر نفوذ زبان عربی استعمال تشدید در فارسی نیز متداول شد. تلفظ این کلمات و همانندشان بدون تشدید نیز درست است. بره، دره، گله، امید و غیره» (آیین نگارش/ ۱۳۷).

ادیب سلطانی، عوامل کاربردی (Pragmatic) را در به کارگیری تشدید دخالت داده و معتقد است که برخی از واژه ها در گفتگوهای عامیانه فارسی زبان ها، به علت تأکید، تشدید می گیرد و مشدد می شود. او روابط اجتماعی را در به کارگیری تشدید مؤثر می داند و کاربرد تشدید را در روابط کلامی مورد توجه قرار می دهد. ایشان و فور و شایع بودن تشدید را در زبان فارسی عامیانه به ویژگی های طبقاتی اجتماعی و اقتصادی ربط می دهد. سلطانی اولین کسی است که به مقوله تشدید از دیدگاه ویژگی ها و قوانین آوایی پرداخته و زبانشناسی را در خدمت توصیف علت پیدایش تشدید به کار گرفته است. نگرش او بر عوامل آوایی و ساختار کلماتی که در آن ها تشدید ملحوظ می گردد جالب و در نوع خود از ابتکار و نوآوری خاصی برخوردار است.

به نظر ایشان تشدید معمولاً حذف می شود مگر در مواردی که نبود آن دریافت معنی را دشوار سازد. با وجود این ایشان به کار بردن علامت تشدید را در فرهنگ ها و دانشنامه ها تجویز می کند. (درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی / ۴۵، ۴۶).

عزیرالله جوینی به ذکر مختصری درباره تشدید بسنده کرده و برخی از عبارات و کلمات بدون تشدید را نقل کرده است (فرهنگ مجموعه الفرس / ۲۳).

ایزد پرست، آثار سعدی را از نظر نکات دستوری بررسی کرده و در مجموع، چهارده اسم و سه صفت و یک مصدر را با تشدید آورده است. اسامی: ارّه، بچّه، برّه، پشه، تپّه، تگّه، چکّه، درّه، مزّه، کرّه، کلّه، کلیّه. صفات: جرّ، جرّم، فرّخ. مصدر: غریدن (دستور زبان فارسی / ۵۴).

مهرداد اوستا نیز تشدید را در زبان فارسی جایز ندانسته و معتقد است که تشدید در زبان فارسی وجود نداشته است. او به کارگیری تشدید را در نظم و به ضرورت شعری و در جهت رعایت وزن لازم دانسته است. (روش تحقیق در دستور زبان و آیین نگارش / ۲۳).

حسن احمدی گیوی همان تعاریف ارائه شده توسط قدما را در مورد تشدید تکرار می کند و بر این امر نیز تأکید دارد که تشدید در زبان فارسی بسیار نادر است. (ادب و نگارش / ۱۳، ۸۷).

عباس علی مولوی، ضمن ارائه تعاریف متعارف از تشدید، آن را در آخر کلمات جایز ندانسته، سپس به شرح تفصیلی تشدید در زبان عربی پرداخته و اوزان آنها را بر شمرده است (راهنمای ادبیات فارسی / ۱۲).

محمد جواد شریعت، تعریفی مشابه با دیگران ارائه می نماید و اظهار می دارد که در فارسی تشدید نادر است اما در عربی فراوان. شریعت "یا" پایان کلمه را مشخص می داند. شریعت با امتزاج «حرف» و «صدا» و در هم ریختگی آن ها، طرز تشخیص تشدید را از راه گوش می داند و می آورد: بر روی حرف مشدد تکیه می کنند و آن را مانند دو حرف تلفظ می کنند (دستور زبان فارسی / ۶۶).

مهدی درخشان اولین دستورنویسی است که مقوله تقابل (contrast) را در وجود و یا عدم وجود تشدید دخالت داده است. اما علل فونولوژیک آن را تشریح نکرده است. درخشان نیز، مانند دیگران به مقوله تشدید با دید تجویزی نگاه کرده است (درباره زبان فارسی / ۱۳).

علی اصغر فقیهی، تشدید را به معنی سخت کردن حرف می داند و معتقد است که وقتی دو حرف هم جنس، پهلوی هم قرار گیرند آن ها را در یکدیگر فشار می دهیم و به



صورت یک حرف درمی آوریم و برای نشان دادن این تغییر و تحول علامت () را روی آن می گذاریم. آن گاه می افزاید که در این گونه کلمات، باید علامت تشدید () روی حرف مشدد گذاشته شود و حذف آن جایز نیست. (دستورهای املاء و انشاء / ۲۰). محمد معین، تعریف تازه ای از تشدید ارائه نداده و آورده: «...تشدید تکرار کردن یک حرف است.» (فرهنگ فارسی / ۲ / ۱۰۸۵).

به اعتقاد وحیدیان تعریف دکتر معین از تشدید «منظور از حرف، صامت است، چون تشدید فقط در صامت صورت می گیرد.» (بررسی تشدید از دید علمی و حلّ یک مشکل املائی / ۲۴) او هم چنین تأکید می ورزد که: «بعد از صامت دوم، مصوّتی بیاید»؛ مانند: لَذّت (لذّت).

قربان زاده نیز بر اساس همین نظریه وحیدیان، مقاله ای را در این زمینه ارائه می دهند و پیشنهاد می کنند کلماتی که مصوّت بلند (ی I) دارند یک صامت (ی Y) نیز در نوشتار ظاهر شود؛ زیرا بر اساس الفبای فونتیک صامت (ی Y) بعد از مصوّت (ی I) در گفتار ظاهر می شود. از طرفی در این صورت، خط (نوشتار) به گفتار نزدیک تر می شود... (تشدید / ۶۰).

تشدید در کتابها و نسخه های قدیمی

در متن چاپی کتاب به جای مانده از اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی السعید، کلمه " الله " با تشدید به کار رفته اما کلمات "مردد" و "مقرر" که در بسیاری از کتب رایج امروز با علامت تشدید آمده است در این کتاب بدون تشدید آمده است (اسرار التوحید / ۷).

در ترجمه تاریخ طبری، ترجمه ابوعلی بلعمی، هیچ کدام از کلمات مشدد علامت تشدید ندارند. (تاریخ طبری / ۵ و ۱ / ۲۱۱، ۱۲۸).

در کتاب الابنیه عن حقایق الادویه، به خط اسدی طوسی (۴۴۷ ه.ق)، کلمات: مضرت ها، تأمل، اتفاق، کمی، المّوید الله، حق، عزوجل، قوّت، مضرت، تر، با تشدید به کار رفته اند؛ اما کلمات: دوم، سیم، همت، بدون تشدید هستند. در یک مورد کلمه "تر" بدون تشدید نوشته شده است. (الابنیه عن حقایق الادویه / ۱۴۳-۷۸-۲۲).

در تفسیر سوراآبادی از ابوبکر عتیق (۵۲۳ ه.ق.)، تعدادی از کلمات چون رجال، قاره، دیان، سیاحی، ذره ای، حقه با علامت تشدید آمده اند؛ اما سایر کلمات تشدید ندارند (تفسیر سوراآبادی / ۱ / ۲۱۶-۶۳).

در صورالکواکب با ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی وبه خط او، کلمات مصورو ثریا با تشدید و سایر کلمات بدون تشدید به کار رفته اند. اودریک مورد نیز کلمه " ثریا" را بدون علامت تشدید به کار برده است. (صورالکواکب / ۱۸۷-۸۵)

در کتاب اغراض الطیبه والمباحث العلائیه، تألیف سید اسماعیل جرجانی (۷۸۹ ه.ق.)، کلمات ذیل به صورت مشدد آمده اند: فن الاغراض الطیبیه، المباحث الاعلائییه، حدّ، کیفیت، تصرف، اتفاق، طبّی، اول، ضدّ، خاصه، عزّ وجلّ، مدّت، اما (اغراض الطیبیه / ۲۳۱-۸۵).

در هدایة المتعلمین از ابو حکیم ربیع احمد الاخوانی البخاری (۴۷۸ ه.ق) کلمات : اما، مدّت، مرکّب، دهم، حدّ، قوت، تری، با تشدید آمده اند اما سایر کلمات بدون تشدید ذکر شده اند (هدایة المتعلمین / ۲۶۴-۴۰-۱۶۲).

علامت تشدید در آثار دستور نویسان فارسی غیر ایرانی

لمبتن (Lambton) (۱۹۶۳ م.) مثال هایی از زبان عربی شاهد آورده و آن را دلیل بوجود تشدید در زبان فارسی می داند: اسود (سیاه)، انشال (بلند شده)، استقام (بر خاستن)، ابیض (سفید) (Persian Grammar/211).

تکستن (Thackston) (۱۹۷۸ م.)، به تشدید و اهمیت وجودی تشدید در زبان فارسی توجه خاص دارد و آن را بدین گونه تعریف می کند: «تشدید نشان دهنده تکرار یک حرف غیر مصوت است. غیر مصوت های مکرر باید به صورت مکرر تلفظ شوند همان گونه که در کلمات مشابه انگلیسی نیز تکرار دوگانه دارد.» (An introduction to Persian/43).

یوری روبین چیک درباره تشدید چنین می نویسد: «در واژه هایی که دوصامت یک جنس در آخر دارند و در اصطلاح مشدد نامیده می شوند، قاعده صامت دوم به حساب



نمی آید یعنی مشدد تلفظ نمی شود، مگر مضاف واقع شود یا موصوف واقع گردد؛ حدّ خانه، فنّ نویسندگی، سدّ بزرگ...» (تلفظ لغات عربی در فارسی / ۲۷۷)

نشانه تشدید در زبان معیار

«تشدید از زبان عربی به زبان فارسی سرایت کرده و استادان سخن آن را در کلمات خاصی به کار برده اند.» (تنوین و تشدید/ ۷۰)؛ لذا نشانه تشدید، مخصوص کلمات عربی رایج و مصطلح در زبان فارسی است، هرچند که تعداد محدودی از کلمات فارسی نیز مانند پله، درّه، یگه و ... علامت تشدید می گیرند.

در املاّی فارسی، نشانه تشدید، متناسب با تلفظ رسمی و معیار کشور با رعایت اصول ذیل، باید در همه جا رعایت شود:

- ۱- تشدید باید درست روی حرف مشدد قرار گیرد:
متکی، اتّفاق، عبدالمطلب ...
- ۲- بر روی کلماتی که مشدد نیستند، نباید تشدید گذاشته شود:
تقویت، قضات، شفقت، تربیت ...
- ۳- گذاشتن تشدید در کلماتی که تشدید میانی دارند، لازم است:
اره، نقّاش، اهمّیت ...
- ۴- گذاشتن تشدید برای کلماتی که " تشدید پایانی " دارند، لازم است به شرط آن که پس از حرف مشدد یک مصوّت بیاید:
سدّ هراز، برحقّم ...

تشدید از دیدگاه آواشناسی

طبق یک اصل کلی زبانشناسی و حتی یک اصل مسلم جهان شمول غیرزبانی، مفاهیم و داده ها در یک چهارچوب کلی و در تقابل با یک دیگر معنی دار می شوند؛ به عبارت بهتر، دو چیز که دارای مشخصه های یکسانی هستند هرگز در تقابل با یک دیگر قرار نمی گیرند و ایجاد تمایز نمی کنند. در آواشناسی مقوله قیاس و تقابل یک اصل مسلم است.



وجود ویا عدم یک نشانه ویا درارتباط با آن، یک "صدا" وقتی می تواندممیز باشد که ایجاد تفاوت معنایی کند؛ به عبارت دیگر، بین دو واژه که در یکی وجود آن اثبات و در دیگری انکار می شود تفاوت معنایی وجود دارد. این تمایز رامی توان در بسیاری از واژه های فارسی مشاهده کرد؛ برای مثال در کلمات فارسی زیر، تفاوت واجی بین واژه ها گویا و کارساز است و از این روست که آن هارا در تقابل باهم می توان مطرح ساخت :

بیم {bim} در تقابل با بید {bid}

بیخ {bix} در تقابل با بین {bin}

ومثال هایی از این قبیل اندک نیست .

در مورد کلمات مشدد و غیر مشدد به استثنای تعداد معدودی از کلمات ، این تقابل وجود ندارد و وجود یا عدم وجود آن {در تلفظ} معنی ساز نیست. برای روشن شدن موضوع ، این کلمات به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- کلماتی که در تقابل با یک دیگرند:

بنا (بناکننده ساختمان) {Banna} بنا (به معنی ساختمان) {Bana}

کلیه (تمام، همه) {Kolliye} کلیه (عضوی در بدن) {Kolye}

و...

۲- کلماتی که گاهی با تشدید و گاهی بدون تشدید به کار می روند و اگر تقابلی بر آن متصور باشد نوعی تقابل کارساز می کاربرد (Pragmatic Usage) است:

خط بد {xatte bad} خط بد {xatte bad}

و...

۳- کلماتی که در تقابل یک دیگر نیستند و خلق حالت تقابل را تصنعی و غیر طبیعی است. کلماتی که همیشه مشدد هستند و هیچ گاه در تقابل با هم پایۀ غیر مشدد قرار نمی گیرند:

تپه {tappe}، مدت {moddat}، اتحاد {ettehad}، عطار {attar}، جدیت {jeddiyat}

برای فرضیه های مذکور ، استدلال های زیر ارائه می شود:



الف- فرضیه اول صحیح نمی باشد هرچند تعدادی از واژه ها مانند : بنا در تقابل با بنّا؛ کمی در تقابل با کمّی؛ هادی در تقابل با حاّدی، ظاهراً در تقابل با هم قرار می گیرند. اما سوال این است که اصولاً در چه موردی واژه ها در تقابل با هم قرار می گیرند؟ طبق یک اصل کلی، هرگاه دو صدا (Sound) در یک بافت آوایی (Phonological context) یکسان، در تقابل قرار گیرند، تفاوت در معنی ایجاد می شود و آن تفاوت را "واجی" می گویند. در غیر این صورت تقابل موجود یا واجگونه ای (alaphonic) و تنها نشانگر وجود یک تنوع است و با طرف تقابل یک واژه بی معنی است. احتمال آن نیز هست که دو واج نسبت به هم در توزیع تکمیلی (Complementary distribution) باشند و یا هر دو واجگونه به صورت آزاد (Variation free) به کار روند که در آن صورت هم تقابل معنایی وجود نخواهد داشت.

به هر حال عدم وجود تقابل در بسیاری از واژه های زبان فارسی این حدس را از ذهن دور می دارد که تشدید در زبان فارسی نقش واجی دارد.

ب- فرضیه دوم که بوجود تشدید به عنوان حاصل یک فرایند فونولوژیک تاکید دارد معقول می نماید ، مشروط بر آن که عوامل آوایی و مشخصه های واجی مؤثر در پیدایش این پدیده، شناسایی و تبیین گردد که از این میان چند عامل قابل بررسی است:

۱- ممکن است واکه های " پیش تشدید " و " پس تشدید" در این امر دخالت داشته باشند. زیرا واکه های پیش تشدید و پس تشدید نمی توانند در پیدایش صدای مشدد مؤثر باشند.

i-----a
a-----a
a-----o
e-----e
o-----o

مشدد می شود و یا همخوان {d} در بافت های فونولوژیک زیر قابل رویت و به صورت مشدد به کار رفته است:

a-----I a-----I a-----e



e-----e
e-----a

a-----e
a-----o

o----a

وجود شرایط مساوی و یکسان، وجود قواعدحشوی (redundancy) رابه ذهن متبادر نمی سازد؛ اما آن چه جالب به نظرمی رسد علل فراوانی بعضی ازهمخوان ها و فراوان نبودن برخی دیگرآز آن ها به صورت مشدد است.

۲- ممکن است بافت های هجایی خاص (Syllabic context) درزبان فارسی، وقوع همخوان های مشدد راپیش بینی کنند؛ بررسی نشان می دهدکه تشدید درواژه های تک هجایی مصداق نمی یابد. مگرآن که واژه ثانوی که به دنبال یک واژه می آید، واژه تک هجایی را به یک واژه دوهجایی تبدیل کند؛ برای مثال واژه های تک هجایی زیرمشدد نیستند:

حق {haq} سر {ser}

اما همین واژه ها درترکیبات زیرمشددمی شوند:

حق مرا بده. {haqqe mara bede}

من ازسر اوسردرنیاوردم. {man az serre ?u sar dar nayavardam}

۳- نقش تکیه (stress) درایجاد تقابل ویا پیش بینی وقوع تشدید: بررسی نشان می دهد که آن چه تقابل آفرین است، تشدید نیست؛ بلکه وجود تقابل مبتنی بروقوع تکیه درهجوی اول درمقابل حدوث آن درهجوی دوم است. بدین ترتیب که درواژه بنا {bana}، همان طور که باعلامت(تکیه)نشان داده شده، تکیه برهجوی اول همسنگ با تکیه درهجوی دوم قرارمی گیرد؛ اما درواژه بنا {banna}، تکیه برهجوی دوم واقع می شود وتکیه های روی هجوی اول بسیار ضعیف است؛ یا در دو واژه ماده {madde} (به معنی عنصر)، تکیه قوی برروی هجوی دوم است اما درماده {made} (به معنی جنسیت)، تکیه روی هردو هجوی همسنگ است. مشابه با همین کلمه، عبارت و واژه های زیر قابل بررسی وتعمق است:

صدیق وامانت داراست. {sadiq}

جانم، توهمیشه باید امیدوارباشی. {?o- mid- var}

اوهمیشه به زندگی امیدواراست. {?om- mid- var}



با آمدن به حیا امیدوارم کردی. {o-mid- var} تغییر محل استقرار تکیه بر شیوه ای که در کلمات بالا آمده نقش معنایی (semantic value) ندارد و البته می دانیم که «تکیه» در زبان فارسی نقش واجی ندارد. از طرفی مشدد ساختن واژه ها نیز تغییری در معنی ایجاد نمی کند. شاید تنها نقشی که برجایه جایی ها و مشدد ساختن همخوان های خاص در این موارد وجود دارد نوعی نقش تاکید (emphatic) است که به هیچ وجه نقش تقابلی ندارد.

۴- آیا علامت «تشدید» در خواندن صحیح موثر است؟

بررسی ها نشان می دهد که وجود علامت تشدید هیچ گونه تاثیری بر خواندن صحیح کلمات ندارد. فراوانی کلمات صحیح تلفظ شده توسط افراد و همبستگی بین آن ها به حدی است که این استنباط را به طور حتم مورد تأیید قرار می دهد.

نتیجه گیری

دستور نویسندگان زبان فارسی و هم چنین نویسندگان خارجی که دستور زبان فارسی نوشته اند در کاربرد علامت تشدید یا عدم استفاده آن در نوشته تردید دارند. در حقیقت برخی به کارگیری آن را الزامی می دانند و تعدادی نوشتن آن را بی فایده می شمردند.

علاوه بر موارد مذکور، در کتاب ها و نسخه های قدیمی نیز گاهی برخی از نسخه نویسندگان، تشدید را رعایت کرده اند و عده ای دیگر نیز، همان کلمات را، بدون تشدید به کار برده اند؛ اما تحقیق فوق نشان می دهد که: هر قدر بافت متن منسجم تر و روابط جملات یک متن منطقی تر باشد پیش بینی وقوع تشدید آسان تر است ولی هر چه از میزان انسجام کاسته شده و متن محدود تر و نهایتاً به سطح جمله میل کند میزان پیش بینی آن دشوار تر است؛ از همین رو میزان اشتباهات فزونی می گیرد. تاکید و اصرار بر قید علامت تشدید و فشار برای نوشتن آن بی حاصل است.

منابع

- ادیب طوسی، *بختی در باره زبان فارسی*، مجله ارمنان، شماره ۷، ۱۳۵۳، ۳۸۸.



- آریان فر، عبدالله، *نگرشی انتقادی بر بنیادهای ادبیات آموزشگاهی*، انتشارات توسن، تهران، ۱۳۵۳.
- آهنی، غلامحسین، *نقد معانی در صنعت نظم و نثر فارسی*، کتابفروشی تایید، ۱۳۳۹.
- ادیب سلطانی، میر شمس الدین، *درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی*، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۴.
- ایزدپرست، نورالله، *دستور زبان فارسی*، انتشارات دانش، تهران، ۱۳۵۹.
- اوستا، مهرداد، *روشن تحقیق در دستور زبان و آئین نگارش*، مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۴۸.
- احمدی گیوی، حسن، *ادب و نگارش*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۶۳.
- اخوینی، البخاری، *هدایه المتعلمین فی الطب*، به اهتمام جلال متینی، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱.
- جرجانی، سید اسماعیل، *الاعراض الطیبیه والمباحث العلائیه*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
- جوینی، عزیزالله، *فرهنگ مجموعه الفرس*، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۹.
- خزائی، محمد، *دستور زبان فارسی*، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۱.
- دارایی، بهین، *اشتقاق و املاء در فارسی*، نشریه شماره ۱۶ مدرسه عالی دختران، ۱۳۵۰، ۳۳۰.
- دهخدا، علی اکبر، *نگت نامه*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- درخشان، مهدی، *درباره زبان فارسی*، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- دهقان، ایرج، *دستور زبان فارسی برای دبیرستان ها*، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۰.
- روبین چیک، یوری، *تلفظ لغات عربی در فارسی*، مجله سخن، دوره ۱۸، ۱۳۴۷، ص ۲۷۷.
- ۳۳- قربان زاده، فرهاد، *تشدید*، مجله رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۷۶، ضمیمه شماره ۲، ۱۳۸۴، ۶۰.
- سجادی، ضیاء الدین، *در مکتب استاد*، انتشارات کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۵.
- سلطانی، علی، *از کلمه تا کلام*، انتشارات مدرسه عالی ادبیات و زبان های خارجی تهران، ۱۳۵۴.
- سورآبادی (ابوبکر عتیق نیشابوری)، *ترجمه و قصه های قرآن*، ۲ جلد، به سعی یحیی مهدوی، مهدی بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- شریعت، محمد جواد، *دستور زبان فارسی*، اساطیر، تهران، ۱۳۶۷.
- *صورالکواکب*، ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی، تصحیح معزالدین مهدوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، بی تاریخ.



- طبری، محمد بن جریر، **ترجمه تاریخ طبری**، ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- کاشف، غلامحسین، **دستور زبان فارسی**، انتشارات مطبعه اسلامبول، ۱۳۳۸.
- فقیهی، علی اصغر، **دستورهای املاء و انشاء**، انتشارات اسماعیلان، تهران، بی تاریخ.
- فرشیدورد، خسرو، **دستور امروز**، چاپخانه وحیدیه، تهران، ۱۳۴۸.
- قریب، میرزا عبدالعظیم، **دستور زبان فارسی**، انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۳۸.
- محمد بن منور، **اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی السعید**، به اهتمام ذبیح الله صفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- مولف نامعلوم، **تنوین و تشدید**، نشریه دانشکده علوم انسانی تبریز، شماره ۳۱-۲۲، ۷۰، ۱۳۳۹.
- مولوی، عباس علی، **راهنمای ادبیات فارسی**، انتشارات مولوی، تهران، ۱۳۶۵.
- معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، ۶ جلد، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
- مشکور، محمدجواد، **دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی**، مطبوعاتی شرق، تهران، ۱۳۴۶.
- نفیسی، علی اکبر، **فرهنگ نفیسی**، انتشارات خیام، تهران، ۱۳۴۳.
- وحیدیان کامیار، تقی، **بررسی تشدید از دید علمی و حلّ یک مشکل املائی**، مجله رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۳۰-۲۹، ۱۳۷۱، ۲۴.
- وزین پور، نادر، **آئین نگارش**، دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران، تهران، ۱۳۵۴.
- هروی، **فرهنگ الابنیه عن الحقایق الادویه**، به کوشش منوچهرامیری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- Lambton , Ann , K.S *Persian Grammar* , Cambridge press Britain , 1963.
- Thackston , Jr *An Introduction to Persian* , soroush , Tehran , 1978. ۳۲

